

عنوان مقاله:

ده گام اصلی روش شناختی در تحلیل تبارشناسانه فرهنگ؛ با اتکا به آراء میشل فوکو

محل انتشار:

فصلنامه راهبرد فرهنگ، دوره 2، شماره 7 (سال: 1388)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

حسین کچویان - دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

قاسم زائری - دانشجوی دکترای دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

فرهنگ، تاریخمند است و شناخت عمیق و حل مسائل فرهنگی، مستلزم اتخاذ رویکردی است که بتواند تاریخمندی فرهنگ را لحاظ کند. عموماً افراد تصور می کنند که «فرهنگ»، مقوله ای «طبیعی» و «مسلم» است که همواره به همین شکل بوده و هست، درحالی که فرهنگ متنوع، سیال و تاریخمند است. تبارشناسی، از جمله سنت های نظری روشی است که پدیده ها را در تطور تاریخی شان بررسی می کند و با شناسایی صورت بندی های تاریخی پدیده ها، جایگاه انتقادی مناسبی برای فهم شرایط کنونی آنها پدید می آورد. تبارشناسی، به مثابه نظریه و روش، ریشه در آن سنت نظری دارد که نیچه و فوکو، شاخص ترین چهره های آن هستند. در این مقاله، مراحل دهگانه انجام یک تحقیق تبارشناسانه (مانند تحلیل قدرت، تحلیل گسست، تحلیل مقاومت و نظایر آن) مشخص شده است. به علاوه به برخی تکنیک های کار تبارشناسانه، آن گونه که فوکو مدنظر داشته، اشاره شده است. همچنین نسبت میان دیرینه شناسی و تبارشناسی بررسی شده و جهت گیری معرفت شناسانه یا هستی شناسانه آن تبیین شده است.

کلمات کلیدی:

تبارشناسی، دیرینه شناسی، نیچه، فوکو، درجه صفر، گسست، مقاومت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1453118>

